

## الگوی استقرار دشت نیریز در دوران ساسانی تا قرون متأخر اسلامی (استان فارس) Settlement Pattern of the Neyriz Plain in the Sassanid and Islamic periods

Hassan Moradi \*

حسن مرادی \*

PhD in Islamic Era Archaeology, Ministry of Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts, Tehran, Iran. Corresponding author: hmoradi25@gmail.com

دکتری باستان‌شناسی دوران اسلامی، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، تهران، ایران، نویسنده مسئول: hmoradi25@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<b>تاریخ‌ها</b> دریافت: ۱۴۰۲/۱/۲۰ پذیرش: ۱۴۰۲/۲/۲۸	منظر باستان‌شناسی که ترکیب منظر طبیعی و فرهنگی است، الگویی دارد که محوطه‌ها، به عنوان مهمترین عنصر، نقش ویژه‌ای در آن دارند. الگوی استقرار با کشف تعامل میان نظام‌های معیشتی و طبیعی، نقش مهمی در درک جنبه‌های مؤثر بر سازماندهی و نظام‌های انسانی دارد. دشت نیریز در شرق فارس و حد فاصل شیراز به کرمان، الگوی استقراری جالب توجهی از بهره‌برداری و تعامل با طبیعت را نشان می‌دهد. این پژوهش بر آن است تا با استفاده از نتایج بررسی میدانی دشت نیریز، با رویکرد باستان‌شناسی منظر و تمرکز بر تحلیل متغیرهای محیطی مؤثر بر مکان‌گزینی استقرارها، روابط فضایی و الگوی استقراری این دشت را در ادوار ساسانی و اسلامی، مورد بررسی قرار دهد. همچنین با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی و تلفیق اطلاعات به‌دست‌آمده از بررسی میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای از دشت نیریز، داده‌ها توصیف، تفسیر و تجزیه و تحلیل شوند. در نتیجه این پژوهش مشخص شد که مهمترین متغیرها برای مکان‌گزینی استقرارها به ترتیب اهمیت، آب، شیب و ارتفاع از سطح دریا هستند. آب به عنوان اصلی‌ترین عامل در پیدایش و توزیع مکانی استقرارگاه‌ها، تفاوت‌هایی را در دو گروه محوطه‌های استقراری و ماندگاه‌های عشایری نشان می‌دهد. محوطه‌های استقراری به سبب وابستگی به منابع آب قنات‌ها بیشتر در دشت و ماندگاه‌های عشایری بیشتر به چشمه‌ها وابستگی دارند و بیشتر در دامنه ارتفاعات قرار گرفته‌اند. همچنین با توجه به خشکی منطقه و وابستگی استقرارگاه‌ها به قنات آن‌ها را می‌توان براساس مظهر و مسیر نهر قنات‌ها در دو گروه اصلی جای داد. گروه اول استقرارگاه‌ها در مسیر نهر قنات‌هایی شکل گرفته‌اند که از شرق و جنوب دشت نیریز منبع گرفته و به حوالی شهر نیریز می‌رسند و دومین گروه استقرارگاه‌ها در غرب دشت نیریز از آبخوان‌هایی تغذیه می‌شوند که آبخوان آن‌ها در شرق دشت و دامنه ارتفاعات، شمال، شرق و جنوب دشت قرار گرفته است.
<b>واژگان کلیدی</b> نیریز الگوی استقراری دوران اسلامی و ساسانی باستان‌شناسی منظر	

**Abstract:** The archaeological landscape, which is a combination of natural and cultural landscapes, has a pattern in which the sites, as the most important element, play a special role. Understanding the interplay between subsistence and natural systems is crucial for grasping the factors influencing organization and human systems. The Neyriz Plain, situated in eastern Fars between Shiraz and Kerman, provides a compelling settlement pattern characterized by resource exploitation and harmonious interaction with nature. Adopting a landscape archaeology approach that emphasizes the analysis of the impacts of environmental variables on settlement locating, this study seeks to delve into the spatial relationships between and settlement trends within the Sassanid and Islamic periods through an examination of field investigations in the Neyriz Plain. Utilizing geographic information systems (GIS) and integrating data from field surveys and library studies, the research aims to describe, interpret, and analyze the archaeological findings. Notably, the research identifies water, slope, and elevation as the primary determinants of settlement locating. Water emerges as a key factor shaping the genesis and distribution of settlements, delineating distinctions between settled communities and nomadic sites. Settlements, reliant on aqueduct-fed water sources, predominantly occupy plains, while nomadic sites depend on springs, often situated in highland areas. Considering the region's aridity and reliance on aqueducts, settlements can be categorized into two main groups based on aqueduct appearance and trajectory. The first group aligns along aqueduct streams originating from the east and south of the Neyriz Plain, extending towards Neyriz city, while the second group in the western plain of Neyriz relies on aquifers located in the eastern plain and highland slopes to the north, east, and south.

### History

Received: April 8, 2024

Accepted: June 17, 2024

### Keywords

Neyriz  
Settlement Pattern  
Sassanid and Islamic Periods  
Landscape Archaeology

استناد: مرادی، حسن (۱۴۰۳). «الگوی استقرار دشت نیریز در دوران ساسانی تا قرون متأخر اسلامی (استان فارس)». *باستان‌شناسی*، ۴ (۱): ۸۵-۱۰۱.

<https://doi.org/10.22034/4.1.5>

© ۱۴۰۳ (۲۰۲۴) نویسندگان مقاله، مجله باستان‌شناسی، مجله پژوهشکده باستان‌شناسی ایران.

**مقدمه**

دشت نیریز بررسی شده‌اند. محوطه‌های تاریخی از طریق بررسی میدانی باستان‌شناسی شناسایی و با استفاده از نقشه‌ها و تصاویر هوایی سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۴۷ تکمیل شده‌اند. به منظور تبیین روند الگوی استقراری دشت نیریز در دوران ساسانی و اسلامی، علاوه بر سیر تاریخی، یافته‌های سفالی محوطه‌ها با مقایسه نمونه‌های مشابه، به طور نسبی گاهنگاری شده‌اند. همچنین به منظور تحلیل الگوی استقراری محوطه‌ها متغیرهای ارتفاع محوطه از سطح دریا، وسعت محوطه، موقعیت محوطه نسبت به منابع آب، فاصله محوطه از راه، درصد شیب و جهت آن و کاربری اراضی تعریف شد و ارتباط محوطه‌ها به نسبت آن‌ها با استفاده از اطلاعات آماری و سیستم اطلاعات جغرافیایی تجزیه و تحلیل شده‌اند.

**بسترهای جغرافیایی**

منطقه مورد مطالعه در این پژوهش، در محدوده دهستان رستاق از توابع شهرستان نیریز در شرق استان فارس (شکل ۱) قرار دارد. این محدوده شامل دشت نیریز، شرق دریاچه بختگان و کوه‌هایی است که از سه طرف آن را احاطه کرده‌اند و وسعتی در حدود ۹۴۰ کیلومتر مربع را در برمی‌گیرد. این محدوده که شهر نیریز نیز در آن قرار دارد از شمال به بخش پشتکوه، از شرق به دهستان هورگان (بخش مرکزی)، از جنوب به شهرستان استهبان و از غرب به شهرستان بختگان محدود می‌شود.

دشت نیریز با حدود ۲۴۰ کیلومتر مربع وسعت، با شیبی ملایم از شرق به غرب در بین دو رشته کوه شمالی و جنوبی قرار دارد. این دو رشته کوه با راستایی شمال‌غربی به جنوب شرقی از غرب به شرق به به تدریج به هم نزدیک می‌شوند و در شرق نیریز به صورت تنگه‌ای موسوم به دهانه هورگان درمی‌آیند. دشت نیریز با متوسط بارندگی سالانه ۲۲۰ میلی‌متر، در منطقه‌ای خشک بیابانی معتدل و نیمه‌خشک قرار دارد (ناصری و پورمیرزایی، ۱۳۸۴: ۱۶-۲۲). این دشت در نبود رودخانه دائمی برای تأمین منابع آب خود به چشمه‌ها و قنات‌ها وابسته است. چشمه‌ها در دامنه ارتفاعات آبدهی محدودی دارند و اغلب به سطح دشت نمی‌رسند. علاوه بر این، شوری آب دریاچه بختگان و نفوذ آن به درون سفره‌های زیرزمینی، باعث شوری منابع زیرزمینی آب در شرق دشت شده است (افراسیابی و صدقی اصل، ۱۳۹۴).

براساس تحقیقات صورت‌گرفته منابع آب دشت نیریز الگویی متأثر از ویژگی‌های زمین‌شناسی دارد که میزان آبدهی قنات‌ها

باستان‌شناسی منظر (Landscape Archaeology) به عنوان یکی از رهیافت‌های باستان‌شناسی روندگرا به مطالعه جنبه‌های مؤثر بر سازماندهی و تغییر نظام‌های انسانی در گذشته می‌پردازد و راهی را برای درک نظام‌های معیشتی جوامع کهن ارائه می‌کند. این رویکرد با کشف تعامل میان نظام‌های معیشتی و طبیعی، باز نمود آن را در سازمان فضایی عناصر جستجو می‌کند (Rossignol, 1992: 5). منظر باستان‌شناسی که ترکیب منظر طبیعی و فرهنگی است الگویی دارد که محوطه‌های باستانی به عنوان مهمترین عنصر، نقش ویژه‌ای در آن دارند.

باستان‌شناسی منظر با مطالعه این محوطه‌ها در قالب الگوی استقراری به ارتباط متقابل میان آن‌ها می‌پردازد و به شرایط جغرافیایی حاکم بر سازمان فضایی آن‌ها پی می‌برد. در این الگوی استقراری به مطالعه ساختار درونی، سازمان فضایی، نحوه پراکنش و روابط متقابل میان سکونتگاه باستانی در بستر محیط پرداخته می‌شود. تجزیه و تحلیل نقطه‌ای این آثار که به عنوان الگوی استقراری شناخته می‌شود، مهمترین ابزار برای توصیف، تفسیر و تجزیه و تحلیل توزیع فضایی آن‌ها است (Conolly & Lake, 2006: 162) و بهترین ابزار برای درک الگوی فضایی و تجزیه و تحلیل آن‌ها به طور یکپارچه در باستان‌شناسی، سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) است (Nsanziyera et al., 2018: 6). این پژوهش برآن است تا در چارچوب رهیافت‌های باستان‌شناسی منظر، با تکیه بر نتایج به دست آمده از بررسی باستان‌شناسی در دشت نیریز (مرادی، ۱۳۹۶) و تمرکز بر متغیرهای محیطی مؤثر بر مکان‌گزینی استقرارها به بررسی روابط متقابل محوطه‌ها و متغیرهای محیطی با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) بپردازد. به عبارت دیگر، پژوهش حاضر برآن است تا با تحلیل مدل توزیع مکانی و زمانی محوطه‌ها، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و جابجایی آن‌ها را مطالعه و با ارائه الگوی استقراری دشت نیریز در دوران ساسانی و اسلامی، عوامل مؤثر بر مکان‌گزینی آن‌ها را نیز بررسی کند.

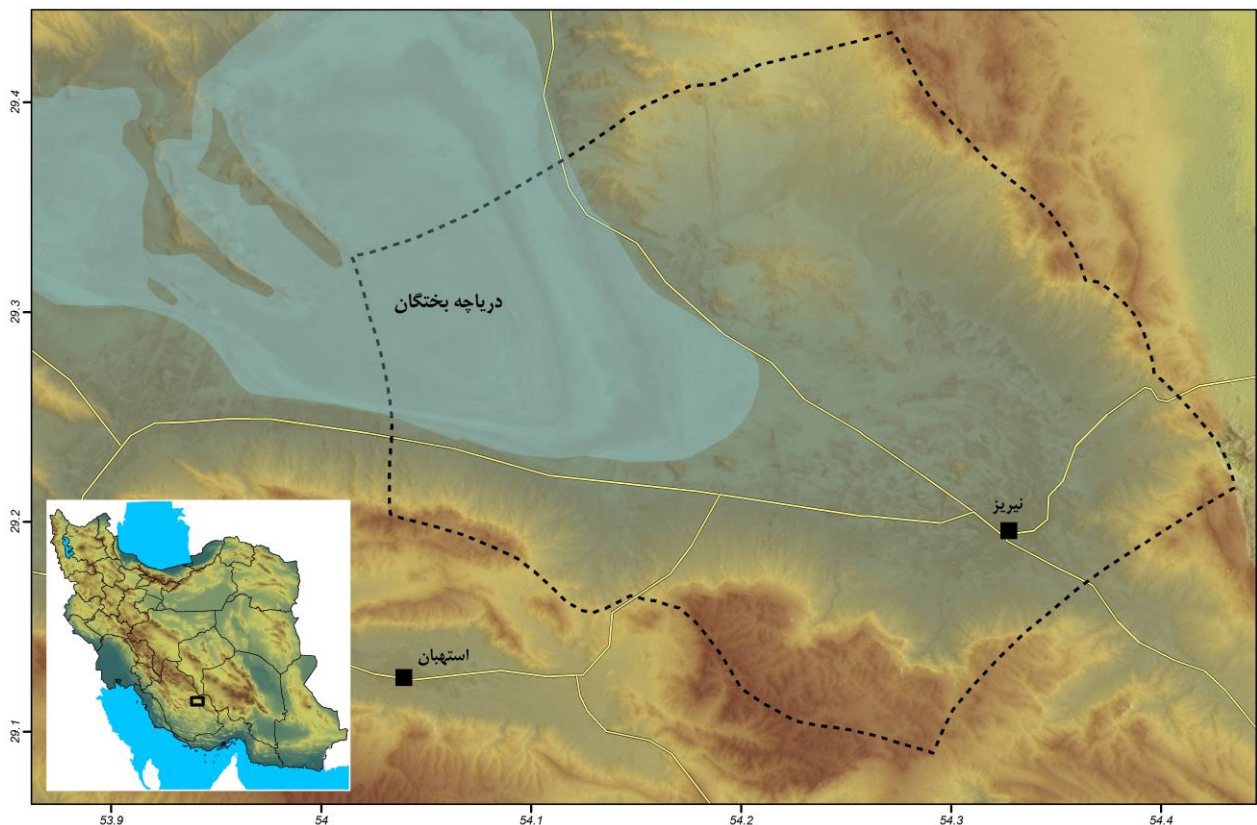
**روش پژوهش**

پژوهش حاضر از نظر رویکرد تاریخی و روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی است. ابتدا اسناد تاریخی به منظور تبیین روند حیات

۱. این بررسی‌ها با مجور شماره ۹۵۲۱۴۱/۰۰/۳۸۰۳ پژوهشکده باستان‌شناسی از تاریخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۰ لغایت ۱۳۹۶/۱/۲۰ به انجام رسید.

از مهم‌ترین مخروط‌افکنه دشت نیریز در دهانه هورگان قرار دارد. آبخوان این گروه در دامنه شمالی سازند تارپور قرار گرفته که با حضور گسل اصلی زاگرس باعث تقویت منابع زیرزمینی می‌شود. گروه دوم قنات‌ها با بهره‌برداری از آبخوان‌های شکل‌گرفته در دامنه ارتفاعات شمال و جنوب دشت و همچنین غرب شهر نیریز با طول بین ۵ - ۱۵ کیلومتر به مزارع غرب دشت نیریز می‌رسند (مرادی و نیکزاد، ۱۴۰۲: ۳۵۵-۳۵۶).

و چشمه‌ها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. قنات‌ها با آبدهی بیشتر به نسبت چشمه‌ها، تقریباً در تمام بخش‌های دشت دیده می‌شوند و به‌طور کلی آن‌ها را می‌توان به سه گروه قنات‌های کوهستانی، نیمه کوهستانی و دشت طبقه‌بندی کرد. قنات‌های کوهستانی و نیمه کوهستانی آبدهی محدودی دارند و با ساخت استخر و نهر از آن‌ها بهره‌برداری می‌شود. قنات‌های دشت نیریز با آبدهی بیشتر به دو گروه طبقه‌بندی می‌شوند. گروه اول در فاصله کمی



شکل ۱. جانمایی محدوده دهستان رستاق در شهرستان نیریز و ایران.

موقعیت و توسعه‌ها و تخریب‌های صورت گرفته، نامشخص است. علاوه بر این، در پانزده لوح گلی به دست آمده از تخت جمشید مکانی به نام Narezzas، وجود دارد که کامرون برای اولین بار با توجه به شباهت با نام نیریز، هر دو را یکی می‌داند (Cameron, 1948: 166, n. 7). در تعدادی از این الواح به مقبره کمبوجیه و دو مکان دیگر در نیریز اشاره شده است و ووتر هنکلن (Henkelman, 2003: 159-160) و ویلیام سامنر نیز به احتمال قوی نیریز را همان مکان مذکور در الواح می‌داند (Sumner, 1986: 19). هر چند نیریز در محدوده بررسی‌های گسترده آندره ویلیامسون (۱۹۶۸-۱۹۷۲) در فارس و کرمان قرار داشت، اما در نقشه منتشر شده از پراکنش آثار مورد مشاهده او،

### پیشینه پژوهش

علیرغم آن که از آغاز پژوهش‌های باستان‌شناسی در استان فارس بیش از نود سال می‌گذرد (برفی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۶۵-۲۵۶)، اما نیریز در شرق این استان کمتر مورد توجه قرار گرفته و قدیمی‌ترین اطلاعات در خصوص آن به بررسی‌های اورل استین در سال ۱۹۳۴ میلادی برمی‌گردد. استین اطلاعاتی را در مورد چندین محوطه در نیریز و مناطق اطراف آن به دست می‌دهد که چندین یافته سفالی مربوط به دوره پیش از اسلام از آن‌ها ارائه شده است. از این بین یکی از آن‌ها در پراکنشی به طول سه کیلومتر در شمال شهر شناسایی شد (Stein, 1936: 204-205) که مکان دقیق آن به دلیل تفاوت نام و عدم تطبیق

می‌نویسد، قلعه‌ای استوار دارد و بیشتر محصول آن انگور و کشمش است (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۲۸۶-۲۸۷، ۳۰۴ - ۳۰۵).  
مکتوبات تاریخی حکایت از آن دارند که نیریز تا اواسط قرن پنجم هجری قمری تحت استیلای دیالمه بود (شبانکاره‌ای، ۱۳۶۲: ۳۵۴). حمدالله مستوفی در نزهةالقلوب آن را از توابع خطه ملوک شبانکاره<sup>۲</sup> (۴۴۸ تا ۷۵۶ هـ.ق) شمرده (مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۹۷-۱۹۸) و آورده است که شبانکاره‌ها در قرن ششم هـ.ق با تسلط بر دست‌نشانندگان آل بویه بر نیریز مسلط شدند (همان، ۱۶۷-۱۸۱). کتاب مجمع الانساب دو گروه قدیم و جدید را برای ملوک شبانکاره قائل شده که به ترتیب همزمان با پیش و پس از دوره مغول است. در دوره پیش از مغول حکمرانان شبانکاره دارای استقلال بودند و برای اجرای عدالت تلاش و افری داشتند. آن‌ها به اصول و مبانی دینی معتقد بودند و علما را محترم می‌شمردند. در حالی که در دوره دوم حکام شبانکاره به این مسائل کمتر توجه داشتند (شبانکاره‌ای، ۱۳۶۳: ۱۵۱ - ۱۸۱).

صاحب شبانکاره‌ای به یاد خاطرات دوران طلایی شاهان شبانکاره که همان دوران پیش از حمله مغول بود، کتابی به نام «دفتر دلگشا» به سبک حماسی شبیه شاهنامه فردوسی به نظم درآورد که در بردارنده تاریخ ملوک شبانکاره و فارس است (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۹: ۳۳ - ۸۸). در اواخر دوره دوم از سال ۷۳۶ هـ.ق فارس تحت استیلای امیر اشرف الدین محمود شاه اینجو درآمد و ملوک شبانکاره نیز در تحت نفوذ او قرار گرفتند و نیریز تحت سلطه حکومت آل مظفر درآمد (سمرقندی، ۱۳۵۳: ۳۶۵ - ۳۶۶). از آن پس تا روزگار صفویان اطلاع چندانی از وضعیت نیریز در دست نیست، لیکن مستند به متن فرمان شاه طهماسب صفوی<sup>۳</sup> در سردر مسجد بازار (مسجد جامع صغیر) می‌توان پذیرفت که این شهر نیز تحت نظارت کامل امرای صفوی قرار داشته است. در دوره سلطنت شاه محمد خدابنده (پسر شاه طهماسب صفوی، حک. ۹۸۵-۹۹۶ هـ.ق) حکومت دارابجرد و نیریز به محمد سلطان ذوالقدر یساولباشی واگذار شد که مسجد

محوطه‌ای در محدوده دشت نیریز مشخص نشده است (Priestman & Kennet, 2002; Priestman, 2003, ) علاوه بر این، مطالعات دوره اسلامی در این منطقه بیشتر بر مسجد جامع کبیر نیریز (Godard, 1936: 163-172) و دیگر بناهای شهر نیریز تمرکز داشته است (افشار، ۱۳۴۷، ۱۳۵۵؛ ورجاوند، ۱۳۷۹). با توجه به این وضعیت و در نبود مطالعات جامع از دشت نیریز اولین فصل بررسی باستان‌شناسی فراگیر در دشت نیریز در سال ۱۳۹۶ با هدف تهیه نقشه باستان‌شناسی کشور آغاز شد. در نتیجه اولین فصل بررسی باستان‌شناسی در دهستان رستاق، محوطه‌ها و بناهای جالب توجهی از عصر پارینه‌سنگی تا دوران متأخر شناسایی شد (مرادی، ۱۳۹۶).

### نیریز در گذر زمان

مطالعات باستان‌شناسی مؤید آن است که دشت نیریز شاهد حضور انسان از عصر پارینه‌سنگی میانه (برفی و همکاران، ۱۳۹۹) تا عصر نوسنگی بوده است (Nikzad et al., 2018). علاوه بر این، شواهد سفالی کم دوره باکون از دو محوطه به همراه یافته‌های دوران قبل، نشان از ظرفیت محدود دشت در این دوران اولیه استقرار دارد. در دوره بعد که با توجه به یافته‌های سفالی می‌توان آن را به دوره هخامنشی یا فراهخامنشی تاریخ‌گذاری کرد، تعداد استقرارها به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌یابد. این افزایش با شروع کاربرد قنات برای تأمین آب در ارتباط دانسته شده که در دوران بعد تا پیش از توسعه چاه‌های عمیق و خشک شدن مادر چاه‌ها، تداوم داشته است. هرچند مسجد جامع نیریز به عنوان یکی از مساجد اولیه اسلامی ایران، مربوط به دوره سلجوقی شناخته می‌شود (Godard, 1936)، اما ریشه‌های ساسانی این بنای مهم را نباید از نظر دور داشت که تداومی منحصر به فرد را در طول دوره‌های بعد اسلامی نشان می‌دهد. علاوه بر این دانسته‌های مربوط به نیریز در اوایل دوران اسلامی منحصر به گزارش‌های جغرافی‌نویسان مسلمان است که آن را بخشی از کوره دارابجرد و سردسیرات فارس می‌دانند (ابن‌خردادبه، ۱۳۷۱: ۳۷-۳۸؛ ابن‌حوقل، ۱۳۴۵: ۳۷ - ۳۸ و ۵۵؛ اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۰۱ و ۱۱۹). مقدسی در قرن چهارم هجری قمری از بازار و مسجد جامع آن یاد کرده و سه شهر خیار، مریزجان و ماذوان را از توابع آن می‌داند (مقدسی، ۱۳۸۵: ۶۳۰ - ۶۴۰). در اوایل قرن ششم هجری قمری ابن‌بلخی نیریز را حد شرقی کوره استخر دانسته و

۲. شبانکاره‌ها که در حدود سه قرن بر قسمت‌هایی از فارس، کرمان و هرمزگان مسلط گشتند (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۹: ۸۷، ۷۵) بیشتر به صورت ایلی زندگی می‌کردند، کوچ‌نشین (همان: ۷۶) بودند و پیشه اصلی آن‌ها شبانی، هیزم‌شکنی و مزدوری بود (ابن‌بلخی، ۱۳۷۴: ۳۸۸).  
۳. در این فرمان حتی بر صابون‌پزخانه‌های نیریز نیز نظارت اعمال گشته و متصدیان این شغل از خرید ارزان مواد اولیه و فروش گران صابون منع گردیده‌اند (اقتداری، ۱۳۴۳: ۳۱۹-۳۲۲).

محوطه‌های شناسایی شده به چهار دوره: (۱) از قرن سوم تا هشتم میلادی (تا قرن دوم هـ.ق)، (۲) از قرن سوم تا پنجم هجری قمری (قرون اولیه اسلامی)، (۳) از قرن ششم تا نهم هجری قمری (قرون میانی اسلامی) و (۴) از قرن دهم تا چهاردهم هجری قمری (قرون متأخر اسلامی) طبقه‌بندی و گاهنگاری شده‌اند (Sumner & Whitcomb, 1999: 315-319). بدین منظور با طبقه‌بندی و گونه‌شناسی، ۴۴۰ سفال به‌دست آمده از بررسی باستان‌شناسی محوطه‌های دوران ساسانی و اسلامی دشت نیریز گاهنگاری شده‌اند که نتایج آن در مقاله‌ای با عنوان «طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های دوران اسلامی دشت نیریز، استان فارس» منتشر شده است (مرادی و کریمیان، ۱۳۹۹). از میان گونه‌های سفالی شاخص گاهنگاری شده در دشت نیریز می‌توان به مواردی که در ادامه آمده‌اند، اشاره کرد. از گروه‌های پرتعداد سفال دوره ساسانی می‌توان به چهار گونه سفالی با پوشش گلی غلیظ قرمز و سیاه اشاره کرد که به سده‌های سوم تا هشتم میلادی تاریخ‌گذاری شده‌اند. بعد از آن، در دوران اسلامی برای سفال‌های شاخصی از جمله سفال‌های با لعاب تک رنگ سفید و سبز، اسگرافیاتو تک رنگ و چند رنگ، گلابه‌ای و لعاب پاشیده گاهنگاری سده‌های سوم تا هفتم هجری پیشنهاد می‌شود. از دیگر سفال‌های به‌دست آمده از محوطه‌های نیریز می‌توان به دو گونه سفالی با نقش زیر لعاب اشاره کرد که با توجه به نمونه‌های مشابه، به ترتیب به سده‌های ۸-۱۱ و ۹-۱۲ هـ.ق قابل تاریخ‌گذاری هستند. علاوه‌براین، در دشت نیریز سفال با نقاشی بر روی لعاب نیز وجود دارد که مربوط به سده‌های ۱۲ و ۱۳ هـ.ق هم‌زمان با دوره صفوی و قاجار هستند. شایان توجه است این یافته‌ها نشان از ارتباط فرهنگی این منطقه از شرق فارس با مراکز چون سیرجان، سمرقند، نیشابور، کرمان و سیستان در دوران مختلف دارند. علاوه‌براین برای گاهنگاری و تاریخ‌گذاری شهر نیریز به عنوان مهمترین کانون استقرار دشت نیریز، به یافته‌های دو محوطه باستان‌شناسی و بناهای قابل تاریخ‌گذاری در محلات مختلف استناد شده که سابقه سکونت در آن را حداقل به اوایل دوره اسلامی می‌رسانند.

#### محوطه‌ها/ آثار قرون ۳ تا ۸ میلادی

آثار سده‌های ۳ تا ۸ میلادی، هم‌زمان با دوره ساسانی و دو قرن اولیه دوران اسلامی، در ۱۸ محوطه، مجموعاً به وسعت حدود ۱۵۰ هکتار، شناسایی شدند. گاهنگاری یافته‌های سفالی مشخص

بازار گیوه‌دوزان از آثار این دوره است (حسینی‌فسایی، ۱۳۶۷: ۸۲۸). در قرن یازدهم هجری قمری در این شهر مدرسه‌ای به نام «مدرسه غیاثیه» احداث گردیده که وقف‌نامه آن در سال ۱۰۹۳ هـ.ق در بردارنده اطلاعات ارزشمندی در خصوص مدرسه و موقوفات آن است (شیخ‌الحکمایی و پیشاهنگ، ۱۳۸۴).

در اواخر حکومت کریم‌خان زند، میرحسام‌الدین عرب از طایفه شیبانی ایل عرب فارس، حاکم نیریز شد (نورانی، ۱۳۴۳: ۵۴). بعد از آن در دوره قاجار پس از حاکمیت محمدحسین خان نیریزی (وفات ۱۲۴۰ هـ.ق) و زین‌العابدین خان نیریزی (۱۲۶۲ هـ.ق)، با ورود سید یحیی دارابی مشهور به وحید از طرفداران سیدعلی محمد باب به نیریز، جنگ و خونریزی و فتنه بابیان در سال ۱۲۶۶ هـ.ق به راه افتاد. سرانجام این قائله با کشته شدن وحید و طرفداران وی در قلعه خواجه در نزدیکی نیریز خاتمه یافت (افشار، ۱۳۴۷: ۶۴۱؛ شمس‌نیریزی، ۱۳۷۹: ۵۳). در سال ۱۲۷۲ هـ.ق حکومت نیریز همراه با بلوکات داراب، چهارم، قیر و کارزین، جویم و بیدشهر از طرف مؤیدالدوله طهماسب میرزا به میرزا نعیم نوری لشکرنویس باشی واگذار شد و سپس تا مدت‌ها بلوک نیریز به عنوان تیول به فرخ‌خان امین‌الدوله (متوفی ۱۲۸۸ هـ.ق) سپرده شد (حسینی‌فسایی، ۱۳۶۷: ۱۵۶۷). در شهر نیریز بر سردر «کاروانسرای سروی» کتیبه‌ای در زمان حکومت فرخ‌خان امین‌الدوله بر فارس، نصب شده که از آقامیرزا موسی به عنوان حاکم نیریز یاد کرده و به تاریخ ۱۲۷۹ هـ.ق کتابت شده است (شمس‌نیریزی، ۱۳۷۹: ۶۸-۶۷).

#### محوطه‌ها/ آثار استقراری دشت نیریز

در بررسی‌های روشمند دشت نیریز در مجموع، ۱۲۱ محوطه مربوط به دوران ساسانی و اسلامی شناسایی شد که از این بین ۴۵ محوطه استقراری و ۷۶ ماندگاه عشایری هستند. محوطه‌های استقراری اغلب در دشت، در انتهای مسیر قنات‌ها به عنوان روستاهای وابسته به کشاورزی در نظر گرفته شده‌اند. در حالی که ماندگاه‌های عشایری در دامنه ارتفاعات و برجستگی‌های میان دشت موسوم به قلات، با توجه به یافته‌های سطحی از جمله فضاهای سنگ‌چین و یافته‌های سفالی با شیوه معیشت دامداری در ارتباط دانسته شده‌اند. علاوه‌براین، حضور برخی از ماندگاه‌های عشایر در کنار برخی از این محوطه‌ها در زمان بررسی این کاربری را تقویت می‌کند.

برای گاهنگاری محوطه‌ها مطابق با چهارچوب گاهنگاری ارائه شده توسط آندره ویلیامسون در دشت مرودشت

شمال غربی دشت، به ترتیب با وسعت ۹۰ و ۴۰ هکتار، بزرگترین محوطه شناسایی شده در دشت نیریز محسوب می‌شوند و سابقه استقرار در آن‌ها حداقل به دوره هخامنشی/فراهخامنشی برمی‌گردد. این دو محوطه با بهره‌برداری از قنات‌های شادابخت، خُبار و آبادزرتشت در سراسر دوران اسلامی به رشد خود ادامه داده‌اند.

از سه ماندگاه عشایری شناسایی شده در این دوره، دو ماندگاه (کدهای ۰۲۶ و ۰۳۴) در دامنه جنوبی دشت مکان‌یابی شده‌اند و ماندگاه تل مهتابی (کد ۰۴۰)، تقریباً در میانه دشت قرار دارد. هر سه این ماندگاه‌ها به دوره ساسانی و قرون میانی دوران اسلامی تاریخ‌گذاری شده‌اند.

نمود که هفت محوطه تک دوره هستند و ۱۰ محوطه در دوران اسلامی تداوم استقرار را نشان می‌دهند. آثار دوران ساسانی به دو گروه محوطه‌ها و ماندگاه‌های عشایری طبقه‌بندی می‌شوند. محوطه‌های نچندان مرتفع با ۱۵ عدد بیشترین تعداد را دارند. از این بین شش محوطه در دامنه قلات‌ها یا ارتفاعات شکل گرفته‌اند و دو محوطه شامل مجموعه تپه‌هایی است که تقریباً در مرکز و شمال غرب دشت قرار دارند. بیشتر تپه‌های این دوره در غرب دشت نیریز در انتهای مظهر قنات‌ها واقع شده‌اند. از مهمترین محوطه‌های این دوره می‌توان به محوطه خواجه احمد انصاری (شکل ۲)، تم‌های احمدآباد و تل خندق اشاره کرد. محوطه خواجه احمد تقریباً در میانه دشت و تم‌های احمدآباد در



شکل ۲. پراکنش سفال بر سطح محوطه خواجه احمد انصاری (کد ۰۰۶) که با حفاری غیر مجاز و توسعه کشاورزی در بخش‌های مختلف آسیب دیده است.

اراضی اطراف، می‌توان به سه گروه طبقه‌بندی کرد. گروه اول، شامل ۱۱ محوطه در دشت رسوبی، از نظر کاربری برای کشاورزی و باغبانی مناسب هستند.

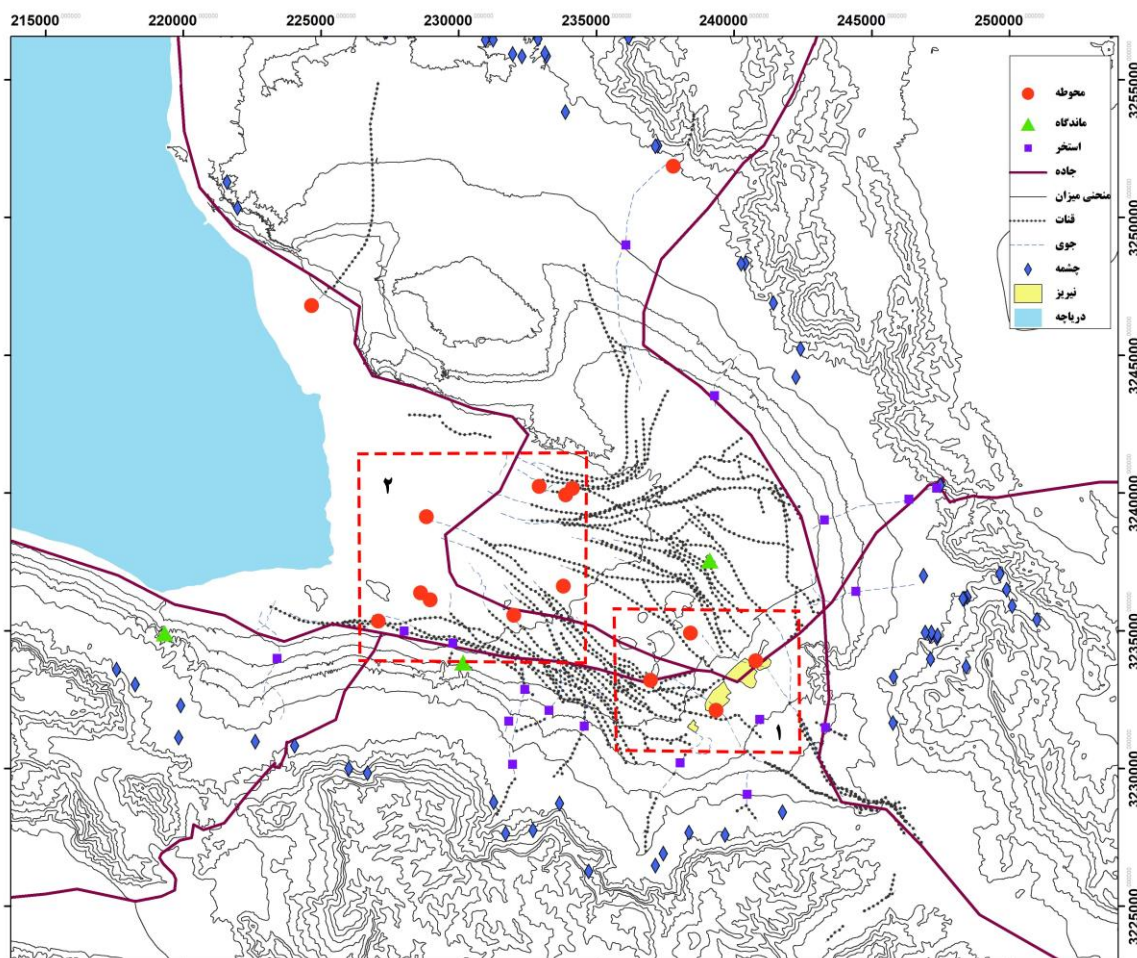
دومین گروه شامل چهار محوطه در دامنه قلات‌ها (برجستگی‌های منفرد میان دشت) و سه محوطه در دامنه ارتفاعات مکان‌یابی شده‌اند که با اهداف دامداری در ارتباط هستند. اکثر محوطه‌های این دوره (۱۴ محوطه) در شیب کمتر از ۲ درصد و بقیه در شیب ۳ تا ۱۵ درصد قرار دارند. فاصله این

از نظر ارتفاع از سطح دریا، ۱۳ محوطه از ۱۸ محوطه شناسایی شده در ارتفاع ۱۵۵۰-۱۶۰۰ متر، ۴ محوطه در ارتفاع ۱۶۰۰ تا ۱۶۵۰ متر و یک محوطه در ارتفاع ۱۸۵۰ تا ۱۹۰۰ متر قرار دارند. از جهت توزیع مکانی، ۱۱ محوطه در دشت، چهار محوطه در دامنه قلات‌ها و سه محوطه در دامنه ارتفاعات پراکنده شده‌اند. از نظر منابع آب ۱۵ محوطه به قنات، دو محوطه به چشمه و یک محوطه به هر دو منبع وابسته هستند. محوطه‌های این دوره را از نظر موقعیت قرارگیری و کاربری

نیریز یا غرب آن قرار دارند. دومین گروه محوطه‌های استقرار در غرب دشت، از قنات‌هایی تغذیه می‌شوند که منبع آن‌ها در آبخوان‌های غرب شهر نیریز، دامنه ارتفاعات شمال، شرق و جنوب دشت نیریز قرار دارند. به این فهرست می‌توان محوطه «تل خندق» (شکل ۳) را افزود که در شمال غربی دشت نیریز از قناتی تغذیه می‌شود که در مخروط افکنه‌ای بادبزی حفر شده است.

محوطه‌ها از شبکه ارتباطی، چندان معنادار به نظر نمی‌رسد، زیرا تقریباً به‌طور یکنواخت تا فاصله چهار کیلومتری از جاده اصلی قرار دارند. آنگونه که از شکل ۴ برمی‌آید، توزیع مکانی محوطه‌های ساسانی و قرون اولیه اسلامی دشت نیریز تابع مسیر و مظهر قنات است، به‌طوری‌که اولین گروه محوطه‌ها با قنات‌هایی تطبیق دارد که از دهانه پلنگان منبع گرفته‌اند و پس از حدود ۴ تا ۶ کیلومتر به محوطه‌هایی می‌رسند که در نزدیکی

شکل ۳. تل خندق در شمال غربی دشت نیریز در نزدیکی دریاچه بختگان که یافته‌های فرهنگی آن به دوره ساسانی تا قرون متأخر دوران اسلامی قابل تاریخ‌گذاری است (کد ۰۶۲).



شکل ۴. الگوی پراکنش محوطه‌های دشت نیریز در دوره ساسانی.

### محوطه‌ها/ آثار قرون اولیه دوران اسلامی

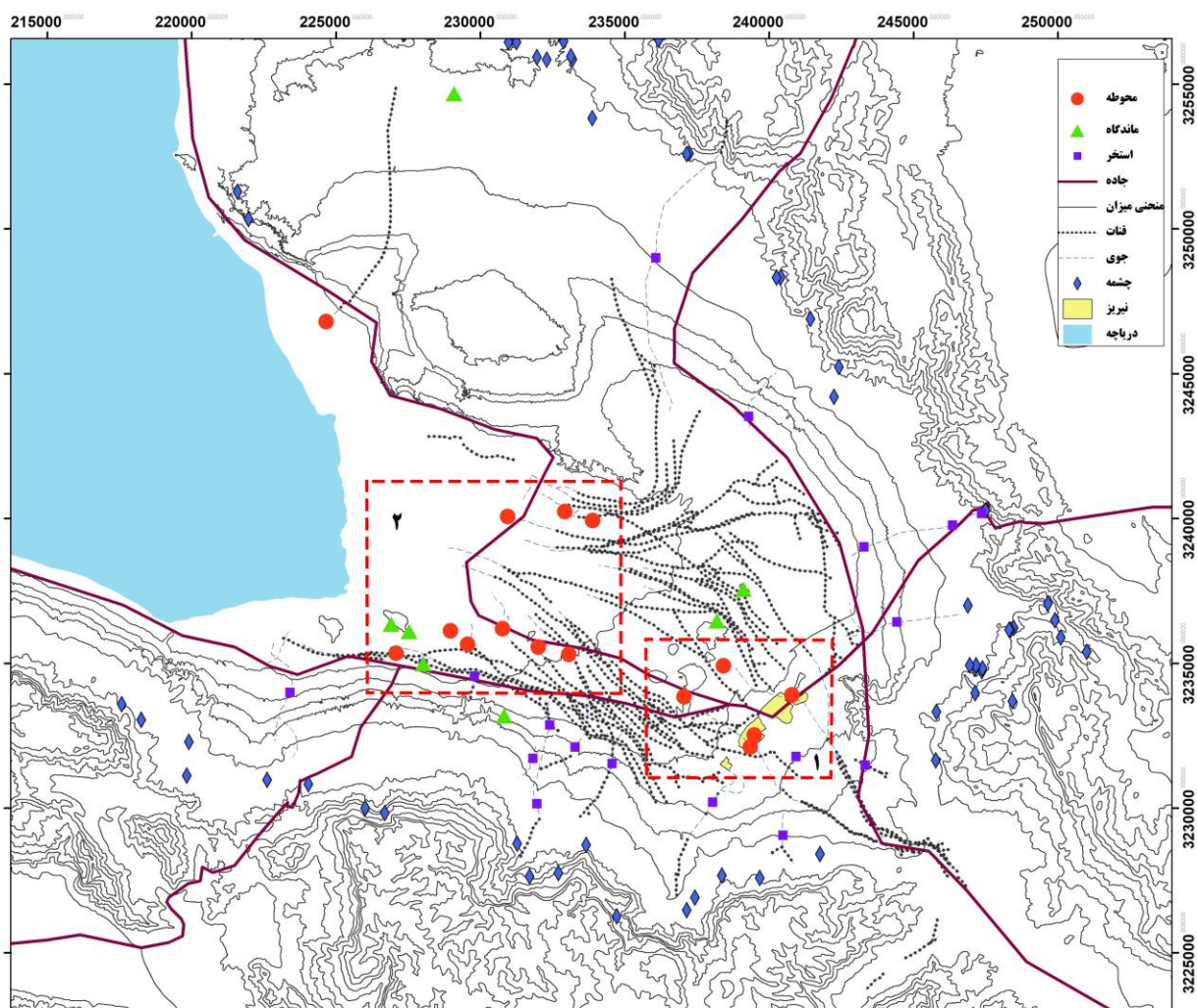
آثار قرون اولیه دوران اسلامی (قرون ۳ - ۵ هـ.ق) در ۲۲ محوطه، مجموعاً به وسعت تقریبی ۲۲۷ هکتار، شناسایی شده که جز یکی، بقیه تداوم استقرار را در قرون میانه دوران اسلامی نشان می‌دهند. همه آثار این دوره براساس یافته‌های سفالی تاریخ‌گذاری شده‌اند و آن‌ها را می‌توان به دو گروه محوطه و ماندگاه عشایری طبقه‌بندی کرد. علاوه‌براین از دیگر آثار شاخص این دوره در شهر نیریز که حداقل به اواسط قرن چهارم هـ.ق تاریخ‌گذاری می‌شود، می‌توان به مسجد جامع کبیر نیریز اشاره کرد که به‌عنوان شاهدهی مهم از جایگاه نیریز به عنوان مرکزی پراهمیت محسوب می‌شود.

از میان ۱۵ محوطه مهم شناسایی شده در این دوره می‌توان به محوطه خواجه احمد انصاری اشاره نمود که از مجموعه تپه‌هایی به ارتفاع کمتر از دو متر تشکیل شده است که تقریباً در میانه دشت قرار گرفته‌اند. از یافته‌های مهم این دوره می‌توان به مواد فرهنگی اشاره کرد که در کنار یا درون آثار متأخرتر به دست آمده‌اند. بنای پاسگاه پوزه میل که از پیرامون آن سفال‌های مربوط به قرون اولیه اسلامی شناسایی شده به عنوان «بنایی دیده‌بانی» مربوط به دوران پهلوی اول معرفی شده است. همچنین از سه قلعه - روستا که معمولاً به قرون متأخر اسلامی تاریخ‌گذاری می‌شوند یافته‌های سفالی به دست آمده که سابقه سکونت در آن‌ها را می‌توان به قرون اولیه دوران اسلامی رساند. از هفت ماندگاه شناسایی شده در این دوره چهار ماندگاه دامنه قلات‌ها، دو ماندگاه در دامنه ارتفاعات جنوبی و ماندگاه دیگر در دامنه ارتفاعات شمالی قرار دارد. آن‌چنان که مشخص گردیده، الگوی استقراری قرون اولیه دوران اسلامی دشت نیریز بسیار به دوره ساسانی شباهت دارد. به طوری که از نظر ارتفاع از سطح دریا ۱۷ محوطه در ارتفاع ۱۶۵۰-۱۶۰۰ متر، چهار محوطه در ارتفاع ۱۶۵۰-۱۶۰۰ متر و یک محوطه در ارتفاع ۱۸۵۰-۱۸۰۰ متر قرار دارد. از نظر موقعیت قرارگیری، ۱۴ محوطه در دشت، شش محوطه در دامنه قلات‌ها و دو محوطه در دامنه ارتفاعات واقع شده‌اند. از نظر دسترسی به منبع آب، ۱۷ محوطه از قنات، دو محوطه از چشمه و سه محوطه از هر دو منبع، بهره‌برداری می‌کرده‌اند. از نظر شیب ۱۶ محوطه در اراضی با کمتر از دو درصد شیب، سه محوطه در شیب بین ۳ - ۵ درصد، یک محوطه در شیب بین ۵ - ۱۰ درصد و دو محوطه دیگر در شیب بین ۱۰ - ۱۵ درصد قرار دارند. براساس فاصله از جاده‌های اصلی هشت محوطه در فاصله ۵۰۰-۰ متر، دو محوطه

در فاصله ۵۰۰-۱۰۰۰ متر، ۸ محوطه در فاصله ۱۰۰۰-۱۵۰۰ متر، یک محوطه در فاصله ۲۰۰۰-۲۵۰۰ متر، یک محوطه در فاصله ۲۵۰۰-۳۰۰۰ متر، یک محوطه در فاصله ۳۵۰۰-۴۰۰۰ متر و یک محوطه در فاصله ۸۰۰۰-۸۵۰۰ متر وجود دارند. همان‌گونه که از شکل ۵ می‌توان دریافت، از نظر فضایی الگوی استقراری محوطه‌های دشت نیریز در این دوره، مانند دوره ساسانی، ارتباط زیادی را به مسیر و مظهر قنات‌ها نشان می‌دهند. اولین گروه محوطه‌ها در محله‌های قدیمی قصبه نیریز و غرب آن وجود دارند و با قنات‌هایی تغذیه می‌شوند که آبخوان آن‌ها در دهانه پلنگان، بعد از حدود چهار تا شش کیلومتر به محوطه‌ها و محلات شهر می‌رسند. دومین گروه محوطه‌های استقراری در غرب دشت، از قنات‌های تغذیه می‌شوند که منبع آن‌ها در آبخوان‌های غرب شهر نیریز، دامنه ارتفاعات شمال، شرق و جنوب دشت نیریز قرار دارد. از نکات جالب توجه در الگوی استقراری قرون اولیه دوران اسلامی افزایش تعداد ماندگاه‌ها نسبت به دوره قبل (از سه به هفت) است که احتمالاً آن را می‌توان با تغییر الگوی معیشتی در ارتباط دانست که به طور همزمان تعداد محوطه‌ها نسبت به دوره قبل بدون تغییر باقی مانده است.

### محوطه‌ها/ آثار قرون میانه دوران اسلامی

در بررسی‌های میدانی و تصاویر هوایی سال ۱۳۴۷، مجموعاً ۹۹ محوطه (به وسعت ۳۵۷ هکتار) با شواهد استقراری قرون میانه دوران اسلامی (قرون ۶ تا ۹ هـ.ق) تشخیص داده شد که از این میان ماندگاه‌های عشایری با ۷۳ عدد، بیشترین تعداد را دارند (شکل ۴، شماره ۳). این ماندگاه‌ها در دامنه ارتفاعات شمالی، جنوبی و برجستگی‌های منفرد دشت (قلات‌ها و ...) قرار دارند که تراکم آن‌ها در دامنه ارتفاعات شمالی به نسبت بیشتر است. علاوه‌براین، «قلعه کل‌وزیر» در دامنه ارتفاعات شمال غربی، در کنار قنات میبد، به دلیل وجود تعداد زیادی ماندگاه‌های عشایری با معماری مشابه در کنار یا نزدیکی آن، می‌تواند به‌عنوان مرکزی برای این ماندگاه‌ها در نظر گرفته شود. معماری این ماندگاه‌ها که بخش پایین ساختارها و سازه‌های آن باقی‌مانده در بسیاری از موارد به صورت توده‌ای از لاشه سنگ در آمده است. فضاها در اصل به صورت خشک‌چین ساخته شده‌اند و عموماً از دو فضای مستطیل و چند فضای دایره‌ای در بین یا کنار آن‌ها تشکیل شده است (شکل ۶). علاوه‌براین، در برخی نقاط در دامنه شمالی، مجموعه‌ای از چندین فضاها مستطیلی وجود



شکل ۵. نقشه الگوی پراکنش محوطه‌های قرون اولیه دوران اسلامی.

تپه‌هایی هستند که از سطح زمین چند متر ارتفاع دارند. وجود دو قلعه مشهور به «قلات سورمق» و «قلات خواجه احمد» به ترتیب در جنوب غربی و مرکز دشت، نشان از اهمیت این مناطق در این دوره دارد.

از هشت قلعه - روستا که معمولاً به قرون متأخر دوران اسلامی تاریخ‌گذاری می‌شوند، یافته‌های سفالی یافت شده که می‌توان آن‌ها را به قرون میانه دوران اسلامی تاریخ‌گذاری کرد. در شهر نیریز نیز از قرون میانه دوران اسلامی آثاری شناسایی شده که می‌توان آن‌ها را شاهدهی بر اهمیت قصبه نیریز در این دوره دانست. از جمله این آثار، می‌توان به محراب مسجد جامع کبیر نیریز، مسجد بازار و مسجد حاج سیدعلی، مقبره جلال‌الدین عبدالله، محوطه قلالت خواجه خضر و محوطه مسجد جامع اشاره کرد که در دو محله چنار سوخته (چنارشاهی / مله) و بازار قرار دارند.

دارد که تعدادی در تصاویر هوایی سال ۱۳۴۷ شناسایی شده‌اند. امروزه تعدادی از این مانده‌گاه‌ها در اثر فعالیت‌های آبخیزداری تخریب شده‌اند. این محوطه‌ها با توجه به یافته‌های سفالی و معماری مشابه آن‌ها، بیشتر تک‌دوره‌ای به نظر می‌رسند و انتساب این نوع معماری به زندگی کوچ‌نشینی با توجه به مطالعات قوم‌شناسی منطقه کوه‌رنگ قابل تأیید است (اسماعیلی‌جلودار و ذوالقدر، ۱۳۹۳: ۹۸-۹۷).

در گاهنگاری یافته‌های سفالی مشخص گردید که از ۲۶ محوطه قرون میانه دوران اسلامی، در ۲۱ محوطه استقرار در قرون اولیه دوران اسلامی استمرار یافته است. همچنین، به نظر می‌رسد، ۷۸ محوطه‌ای که برای اولین بار برای سکونت استفاده شده‌اند، عموماً مانده‌گاه‌های عشایری دامنه شمالی دشت هستند. از ۲۶ محوطه شناسایی شده هفت محوطه تقریباً مسطح هستند یا در دامنه قلالت‌ها قرار دارند. چهار محوطه شامل مجموعه

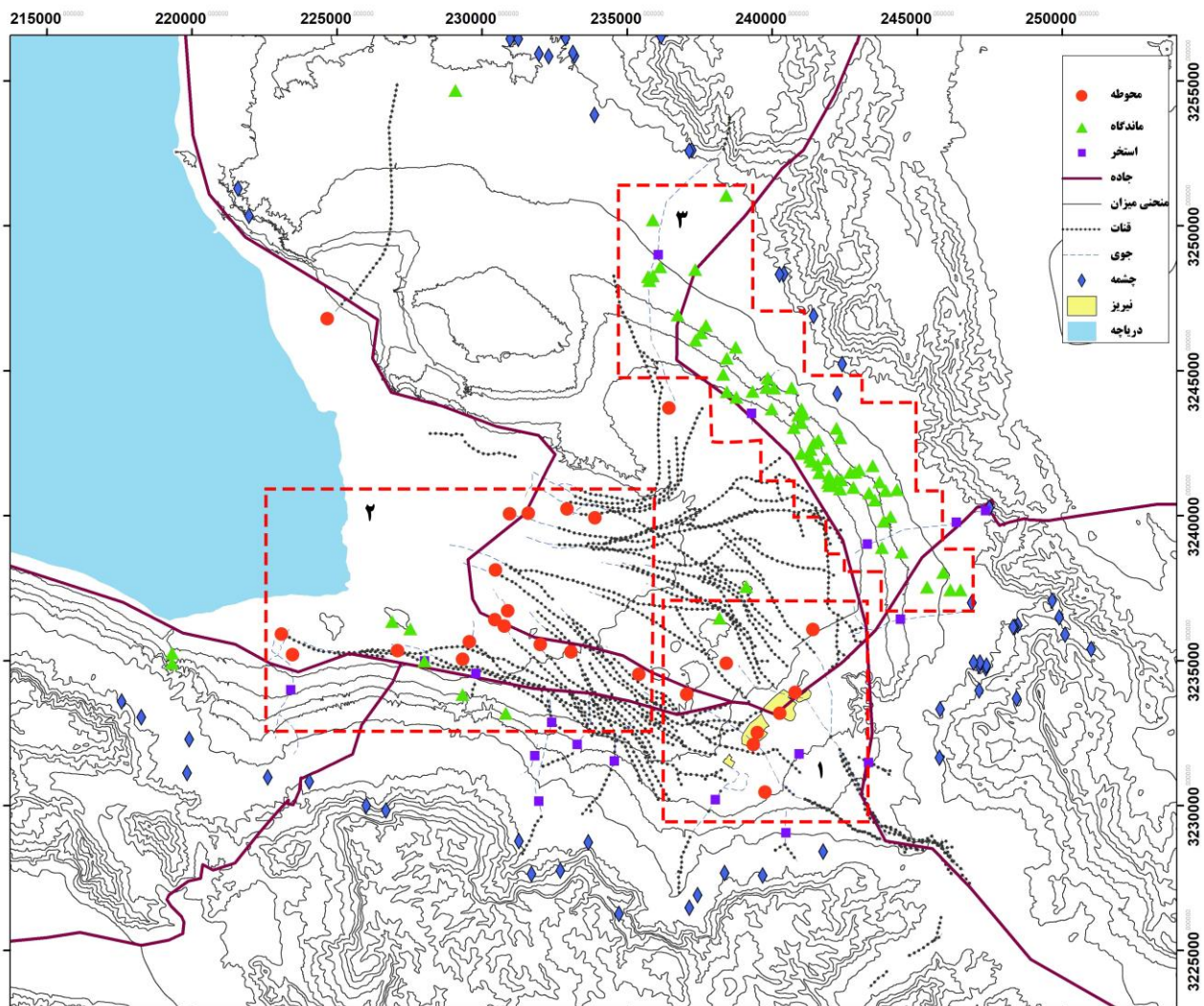


شکل ۶ ماندگاه عشایر در دامنه شمالی دشت نیریز (کد ۱۱۰).

شبکه ارتباطی (۳۰ محوطه در فاصله ۵۰۰-۱۰۰۰ متر، ۲۹ محوطه در فاصله ۱۵۰۰-۱۵۰۰ متر، ۱۲ محوطه در فاصله ۱۵۰۰-۲۰۰۰ متر) قرار دارند. همان گونه که از شکل ۷ می توان دریافت نمود، الگوی استقراری قرون میانی اسلامی نشان دهنده افزایش تعداد محوطه ها و ماندگاه های عشایری به طور بی سابقه است. محوطه های دشت با بهره برداری از قنات ها، از نظر معیشت بیشتر به کشاورزی وابسته هستند و با توجه به الگوی قنات ها در مسیر نهر آن ها شکل گرفته اند. این الگو را می توان به دو گروه اصلی طبقه بندی کرد. گروه اول محوطه ها در مسیر نهر قنات هایی قرار دارند که از شرق و جنوب شهر نیریز منبع می گیرند. این قنات ها آب را از دهانه پلنگان استخراج کرده و به چند کیلومتری شرق نیریز می رسانند<sup>۴</sup>. گروه دوم آثار در مسیر نهر قنات هایی قرار دارند که از دامنه ارتفاعات شرقی، شمال و جنوب دشت منبع می گیرند.

۴. آب این قنات ها بعد از مقسم به نهرهایی هدایت می شود که با مشروب کردن باغ های شرق نیریز به درون محلات شهر سرازیر می شود. این آب سپس به مزارعی در غرب نیریز هدایت می شود که از قلعه سیف آباد در شمال تا مزرعه دهویه در جنوب گسترده شده است.

چنان که متغیرهای موضوع تحقیق مشخص می سازند، از ۹۹ محوطه شناسایی شده متعلق به قرون میانی دوران اسلامی، بیشترین تعداد (۵۰ محوطه) در ارتفاع بین ۱۶۰۰-۱۶۵۰ متر از سطح دریا و کمترین تعداد (۶ محوطه) در ارتفاع ۱۷۰۰-۱۹۰۰ متر از سطح دریا واقع شده اند. ۳۱ محوطه نیز در ارتفاع بین ۱۶۰۰-۱۸۵۰ متر از سطح دریا و ۱۲ محوطه در ارتفاع بین ۱۶۵۰-۱۷۰۰ متر از سطح دریا احداث گردیده اند. از نظر منظر و چیدمان، ۲۵ محوطه در دشت، ۶۸ محوطه در دامنه ارتفاعات و ۶ محوطه در دامنه قلات ها شکل گرفته اند. از نظر دسترسی به منبع آب ۶۲ محوطه با چشمه ها، ۳۲ محوطه با قنات ها و ۵ محوطه با هر دو منبع، در ارتباط هستند. جالب توجه این که تقریباً تمام محوطه ها در نزدیکی مسیر نهر قنات ها و بیشتر ماندگاه های عشایر در نزدیکی مسیر چشمه ها قرار دارند. از نظر شیب، بیشترین تعداد (۵۳ محوطه) در شیب کمتر از ۲ درصد و ۳۴ محوطه در شیب بین ۳-۵ درصد و ۱۲ محوطه در شیب بین ۵-۱۵ درصد قرار دارند. این نتایج همچنین مشخص ساختند که ۱۸ محوطه در فاصله ۵۰۰-۰ متر از جاده های اصلی و ده محوطه در فاصله ۲۰۰۰ تا ۸۵۰۰ متر از جاده جای گرفته اند و بقیه محوطه ها در حدفاصل ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ متر از



شکل ۷. الگوی  
پراکنش محوطه‌های  
قرون میانه اسلامی.

### محوطه‌ها/ آثار قرون متأخر دوران اسلامی

نتایج بررسی‌ها همچنین مشخص ساخت که ۲۸ محوطه شناسایی شده (مجموعاً به‌وسعت ۲۶۸ هکتار) استقرارگاه‌های قرون متأخر دوران اسلامی (قرون ۱۰ تا ۱۴ هـ.ق) بوده‌اند. این استقرارگاه‌ها طیف متنوعی از آثار از جمله محوطه، ماندگاه عشایری، قلعه - روستا و محلات شهر نیریز را شامل می‌گردند (شکل ۹). قلعه - روستاها (شکل ۸) در واقع مزارع مسکون با واحدهای تولیدی هستند که تماماً از قنات‌ها بهره‌برداری می‌نمایند. مزارع مسکون از دوره‌های پیش‌ازاسلام، قرون اولیه دوران اسلامی تا دوره پهلوی به‌صورت مستقل یا تابعه در محدوده قصبات و رستاق‌ها قرار داشته و با عناوینی چون دستکرت، مجموعه‌ها و قلاع کشتخوانی و مزارع مسکون شناخته می‌شده‌اند (راعی و بهشتی، ۱۳۹۵: ۳).

این قنات‌ها با هدایت آب به غرب دشت نیریز باعث شکل‌گیری استقرارهایی شده‌اند که از روستای دولت‌آباد در شمال تا روستای حسین‌آباد سورمق در جنوب گسترده شده‌اند. به‌نظر می‌رسد، در این دوره با افزایش تعداد استقرارها برای اولین بار مناطقی جدیدی در جنوب غربی دشت، چون حاجی‌آباد، اشغال شده‌اند. افزایش بی‌سابقه تعداد محوطه‌ها و ماندگاه‌های عشایری در قرون میانی اسلامی دشت نیریز را می‌توان با قدرت یافتن ملوک شبانکاره و شیوه معیشت شبانکارگان در شرق فارس در ارتباط دانست که نیریز را به‌عنوان یکی از مناطق اصلی قلمرو خویش انتخاب نموده بودند. شایان ذکر است، شبانکارگان بیشتر به‌صورت ایلی و کوچ‌نشینی زندگی می‌کردند (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۹: ۷۶) و پیشه اولیه آن‌ها شبانی، هیزم‌شکنی و مزدوری بود (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۳۸۸).

آن‌ها اغلب در غرب دشت نیریز قرار دارند. «قلعه حاجی‌آباد» و «قلعه ده‌فاضل» در این بین استثناء هستند که به ترتیب به وسیله چشمه‌های آب‌چنار و آب‌گراز و چشمه ده‌فاضل مشروب می‌شوند. این قلعه - روستاها را در واقع می‌توان روستاهای اربابی دانست که نقش مهمی در طول قرون متمادی حداقل از ابتدای دوران اسلامی در منظر روستایی، در بیشتر بخش‌های ایران داشته‌اند (Fazeli et al., 2009: 149).

اولین گروه شناسایی شده از این قلعه - روستاها در انتهای مسیر قنات‌های شادابخت، خُبار و آبادزرتشت قرار دارند و وابستگی کاملی را به مسیر قنات‌ها نشان می‌دهند. آب قنات‌های مذکور پس از مشروب کردن باغ‌ها، با گذر از محلات نیریز به مزارع غرب دشت نیریز می‌رسند. دومین گروه قلعه - روستاها در مسیر نهر قنات‌هایی قرار دارند که از غرب نیریز و دامنه ارتفاعات شمالی و جنوبی این دشت منبع گرفته و مظهر



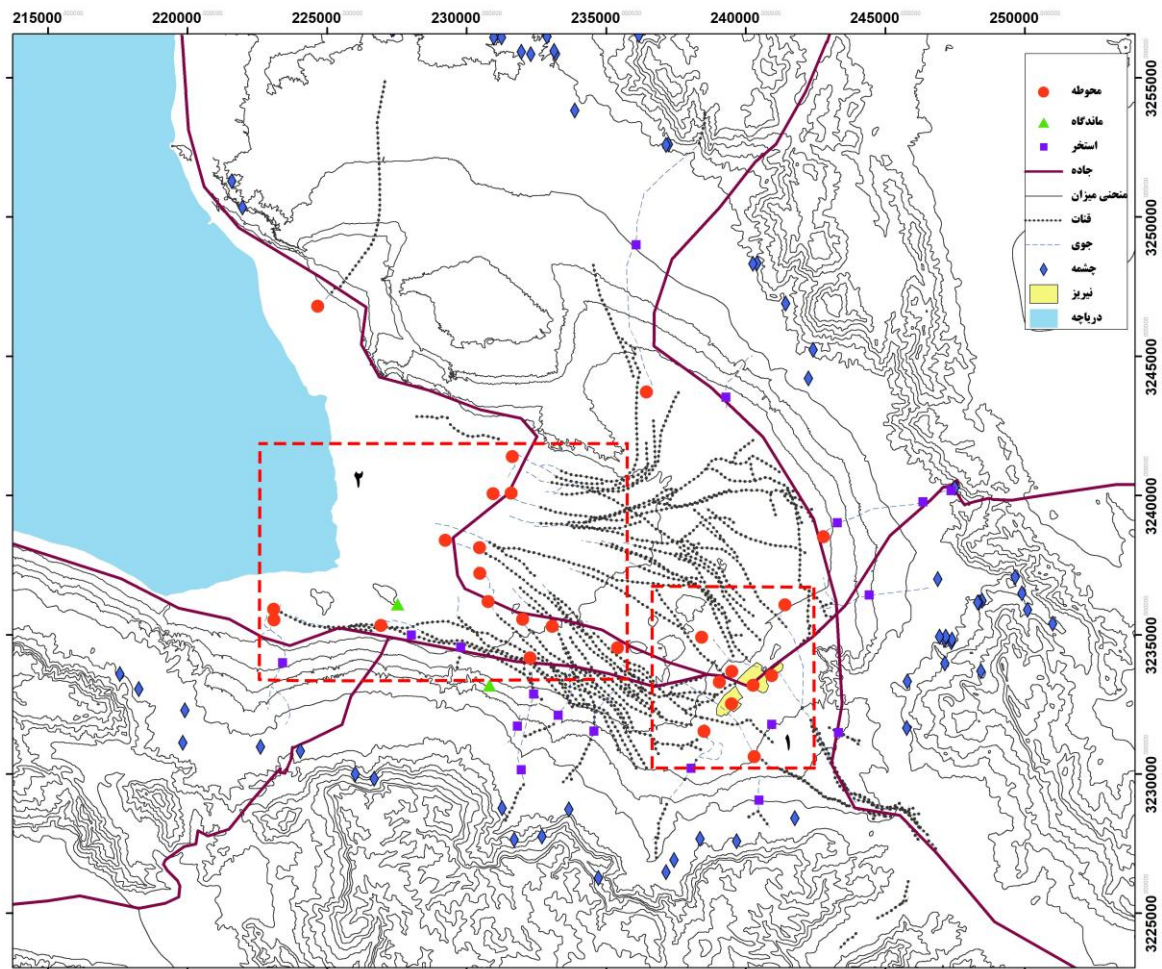
شکل ۸. تصویر هوایی قلعه علی‌آباد شور در غرب دشت نیریز، که در کنار آن قلعه‌ای قدیم‌تر و کوچکتر دیده می‌شود که تداوم این شیوه را در گذر زمان نشان می‌دهد. بخش‌های زیادی از قلعه بزرگ‌تر و تمام قلعه کوچک‌تر کنار آن در اثر توسعه جاده، زمین‌های کشاورزی از بین رفته است. همچنین، در کنار قلعه تعدادی تپه کوچک‌تر دیده می‌شود که احتمال وجود محوطه‌های قدیمی‌تری را در کنار قلعه علی‌آباد شور به ذهن می‌رساند (سازمان نقشه‌برداری کشور، بخشی از تصویر هوایی سال ۱۳۴۷ به شماره ۰۵۴-۹-۳۷۳-۶۸).

محوطه‌های این دوره (۲۵ محوطه) در دشت قرار دارند و سه محوطه دیگر نیز در دامنه قلات‌ها و ارتفاعات شکل گرفته‌اند. جالب آن که تمامی محوطه‌های ذکر شده (۲۷ محوطه) از آب قنات بهره برده و تنها حیات یک محوطه به چشمه مرتبط بوده است. همچنین، تمامی محوطه‌های قرون متأخر دوران اسلامی در شیب کمتر از دو درصد و دو محوطه در شیب بین ۳ - ۵ درصد قرار دارند. از آنجایی که بیشتر این آثار را قلعه - روستاها و محلات شهری تشکیل می‌دهند، اکثراً در فاصله یک کیلومتری از مسیر ارتباطی شکل یافته‌اند و سه مورد تا سه کیلومتر از جاده فاصله دارند.

همان‌گونه که از شکل ۵ قابل درک است، الگوی استقراری محوطه‌های قرون متأخر دوران اسلامی به تبعیت از مسیر قنات‌ها در دو محور اصلی تأثیر پذیرفته است: محور نخست، مسیر قنات‌های شادابخت، خُبار و آبادزرتشت است که

از جمله آثار شناسایی شده در قصبه نیریز در این دوره می‌توان به مساجد، کاروانسرا، بازار، برکه (آب‌انبار) و حمام اشاره کرد که در محلات بازار، کوچه‌بالا، چنارشاهی (چنارسوخته/مله) و آبادزرتشت قرار دارند. دو محله بازار و کوچه‌بالا در مسیر نهرهای قنات شادابخت (پرباب‌ترین قنات نیریز) شکل گرفته‌اند. قنات خُبار، دومین قنات پرباب نیریز در ادامه مسیر خود پس از باغ‌ها به محله چنارشاهی می‌رسد. در مسیر دیگر قنات نیریز (قنات آبادزرتشت)، محله‌ای به همین نام وجود دارد.

چنان‌که اطلاعات متغیرهای پژوهش حاضر مشخص ساخته، از ۲۸ محوطه متعلق به قرون متأخر دوران اسلامی، بیشترین آن‌ها (۱۹ محوطه) در ارتفاع ۱۵۵۰-۱۶۰۰ متر از سطح دریا و هشت محوطه در ارتفاع ۱۶۰۰-۱۶۵۰ متر شکل گرفته‌اند و تنها یک محوطه در ارتفاع ۱۶۵۰-۱۷۰۰ قرار دارد. توزیع مکانی محوطه‌های این دوره مؤید آن است که تقریباً تمامی



شکل ۹. الگوی پراکنش محوطه‌های قرون متأخر دوران اسلامی.

محوطه‌های غرب دشت نیریز، با بهره‌برداری از قنات‌هایی شکل گرفته‌اند که آبخوان آن‌ها در دامنه ارتفاعات شرق، شمال و جنوب دشت نیریز وجود دارد. تراکم محوطه در این بخش از دشت نیریز بیشتر است و وجود محوطه‌هایی همچون «خواجه احمد انصاری»، «قلعه جعفرآباد»، «تل خندق» و «قلعه ده‌فاضل» بر اهمیت آن می‌افزاید.

### نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر آن بود تا الگوی استقرار دشت نیریز را براساس متغیرهای محیطی مشخص سازد. بدین منظور بررسی روشمند سطحی در این دشت به‌انجام رسید و ضمن گونه‌شناسی، طبقه‌بندی و گاهنگاری یافته‌های سفالی به‌دست آمده از بررسی میدانی در دشت نیریز، توزیع زمانی و مکانی محوطه‌های مکشوفه مشخص گردید. آن‌چنان‌که آورده شد، در این دشت الگویی دیرپا از دو گروه استقرار شامل: استقرارگاه

پس از مشروب ساختن چهار محله قصبه نیریز، چهار قلعه - روستا (قلعه سیف‌آباد، قلعه محمودخان، قلعه حاج‌حسین و قلعه خواجه) و یک محوطه استقرار، در نهایت، به محلات و مزارع غرب نیریز سرازیر می‌شوند. در این میان، قلعه خواجه در مقسم قنات خبار جایگاه مهمی را از نظر مدیریت آب دارد. گروه دوم

۵. منبع آب این قلعه‌ها در دهانه دره پلنگان و دامنه کوه قبله شکل گرفته است. اهمیت و وسعت محلات و جایگاه آن‌ها به میزان آبدی قنات بستگی دارد، به طوری که هر چه میزان آب‌دهی آن‌ها بیشتر باشد محله مربوط به آن قنات نیز بزرگتر است. قنات شادابخت با بیشترین میزان آبدی با ۱۸۰۰۰ سهم به دو محله کوچک بالا و بازار، قنات خبار با ۱۰۸۹۰ سهم، به محله چنارشاهی (چنار سوخته/ مله) و قنات آبادردشت با ۲۲۰۵ سهم، به محله‌ای به همین نام جریان می‌یابد. با توجه به آثار به‌دست‌آمده در این گروه از نظر موقعیت دسترسی به آب می‌توان سلسه مراتبی را در نظر گرفت که در آن محلات با توجه به میزان آبدی قنات‌هایشان در جایگاه اول قرار می‌گیرند و در جایگاه بعدی قلعه - روستاها و سپس محوطه‌ها قرار دارد.

گروه اول از قنات‌هایی تغذیه می‌شوند که آب‌دهی بیشتری دارند و از کیفیت بالاتری برخوردارند. علاوه بر این، قرارگیری میل چاه‌ها و دهلیز این قنات‌ها در دامنه ارتفاعات و مخروط‌افکنه‌ها امکان ریزش و تخریب آن‌ها را کمتر می‌نماید. همچنین، دو گروه محوطه‌های دشت نیریز را می‌توان با مزارع و بستان‌های ذکر شده در «موقوفات مدرسه غیاثیه» (شیخ‌الحکمایی و پیشاهنگ، ۱۳۸۴) تطبیق داد که از توابع قصبه نیریز یا ده رستاق در اواخر دوره صفویه شمرده شده‌اند (شکل ۱۰). به علاوه، محوطه‌های بزرگ و کوچک دشت به ترتیب با هسته اصلی مکان‌گزینی و مزارع مسکون وابسته به کشاورزی قابل تطبیق است. همچنین، افزایش بی‌سابقه ماندگاه‌های عشایری و تمرکز آن در دامنه شمالی دشت را می‌توان با قدرت یافتن شبانکاره‌ها، که پیشه اصلی آن‌ها شبانی بوده، هم‌زمان و در ارتباط دانست.

### سپاسگزاری

از جناب آقای حمیدرضا هادی سرپرست اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی شهرستان نیریز که با روی خوش در تمام مدت بررسی باستان‌شناسی شهرستان نیریز و بازدیدهای بعدی پذیرای تیم بررسی باستان‌شناسی نیریز بودند بسیار سپاسگزارم. همچنین لازم می‌دانم از دوست عزیز آقای محمدجواد جعفری کارشناس وقت میراث فرهنگی استان فارس و آقای محمدحسن پاکنژاد از میراث فرهنگی فارس برای همراهی و همکاری تشکر نمایم. علاوه بر این، لازم می‌دانم از اهالی محترم شهرستان نیریز که با دانش بومی خود در مورد منطقه نیریز ما را یاری کردند، نهایت سپاسگزاری را داشته باشم که از این بین می‌توان به جناب آقای پیشاهنگ، دکتر مختار کمیلی، سید علی تهامی، کرم مظفری و منصور اقبال اشاره کرد. همچنین، از اعضای اولین فصل بررسی باستان‌شناسی نیریز، حبیب عمادی و میثم نیکزاد، برای همراهی در تمام مراحل مستندنگاری و بررسی بسیار متشکرم.

دائم وابسته به کشاورزی (محوطه‌ها) و ماندگاه‌های عشایری شناسایی گردیدند. چنان‌که متغیرهای پژوهش مشخص ساختند، بیشتر محوطه‌های یکجانشین وابسته به کشاورزی در دشت در فاصله کمتر از ۵۰۰ متری از نزدیک‌ترین منبع آب، در شیب کمتر از ۲ درصد، در ارتفاع ۱۵۵۰-۱۶۰۰ متر از سطح دریا و فاصله کمتر از ۵۰۰ متر از جاده اصلی قرار دارند. این در حالی است که ماندگاه‌های عشایری بیشتر در دامنه ارتفاعات در فاصله ۵۰۰-۱۰۰۰ متر یا بیشتر نسبت به نزدیک‌ترین منبع آب، در شیب ۳-۵ درصد یا بالاتر، در ارتفاع ۱۶۰۰-۱۶۵۰ متر از سطح دریا و بالاتر و در فاصله ۵۰۰-۱۵۰۰ متر از جاده اصلی امروزی جای گرفته‌اند. همچنین، مشخص گردید که با توجه به خشکی منطقه و وابستگی استقرارگاه‌ها به آب قنات، آن‌ها را می‌توان براساس مظهر و مسیر نهر قنات‌ها در دو گروه اصلی جای داد: گروه اول استقرارگاه‌هایی که در مسیر نهر قنات‌هایی شکل گرفته‌اند که از شرق و جنوب دشت نیریز منبع گرفته و به حوالی شهر نیریز می‌رسند. قنات‌های این بخش در مخروط‌افکنه‌ها حفر شده‌اند و از نظر میزان آبدهی قابل اعتماد هستند. مهمترین محوطه‌های این گروه در قصبه نیریز یا در نزدیکی آن قرار دارد و به نظر می‌رسد از نظر مکان‌گزینی ثبات بیشتری را نشان می‌دهند.

دومین گروه، محوطه‌های غرب دشت نیریز هستند که با قنات‌هایی تغذیه می‌شوند که آبخوان آن‌ها در شرق دشت و دامنه ارتفاعات شمال، شرق و جنوب دشت قرار گرفته است، در حالی که تراکم آن‌ها در جنوب دشت بیشتر است. مادر و میل‌چاه‌ها به علاوه دهلیز قنات‌های دومین گروه پیش‌گفته، بیشتر در دشت‌های رسوبی حفر شده‌اند و با توجه به بافت خاک امکان تخریب بیشتری را برای آن می‌توان متصور بود. این در حالی است که وجود چاه‌های مختلف به صورت رشته‌های متعدد در فاصله نزدیک به هم در این گروه را می‌توان دلیلی بر این موضوع دانست. این در حالی است که محوطه‌های استقراری

جدول ۱. تعداد محوطه‌های هر دوره به تفکیک.

ردیف	دوره	تعداد محوطه‌ها	وسعت به متر مربع	تعداد ماندگاه‌های عشایر	وسعت	مجموع	وسعت کل به مترمربع
۱	ساسانی	۱۵	۱۴۶۳۴۷۲	۳	۴۱۴۳۰	۱۸	۱۵۰۴۹۰۲
۲	قرون اولیه اسلامی	۱۵	۱۹۸۵۶۳۲	۷	۲۸۶۵۷۵	۲۲	۲۲۷۲۲۰۷
۳	قرون میانه اسلامی	۲۶	۳۰۹۵۲۲۱	۷۳	۴۸۴۴۴۰	۹۹	۳۵۷۹۶۶۱
۴	قرون متأخر اسلامی	۲۶	۲۶۴۲۵۰۳	۲	۴۰۳۷۵	۲۸	۲۶۸۲۸۷۸

جدول ۲. تعداد محوطه‌های هر دوره بر اساس محیط یا منظر.

ردیف	محیط	ساسانی	قرون اولیه دوران اسلامی	قرون میانه دوران اسلامی	قرون متأخر دوران اسلامی
۱	دشت	۱۱	۱۴	۲۵	۲۵
۲	دامنه کوه	۳	۲	۶۸	۱
۳	دامنه قلات	۴	۶	۶	۲

جدول ۳. تعداد محوطه‌های هر دوره براساس فاصله تا دسترسی به منبع آب.

ردیف	فاصله تا منبع آب	ساسانی	قرون اولیه دوران اسلامی	قرون میانه دوران اسلامی	قرون متأخر دوران اسلامی
۱	۵۰۰-۰ متر	۱۱	۱۳	۳۱	۲۲
۲	۱۰۰۰-۵۰۰ متر	۴	۵	۲۰	۵
۳	۱۵۰۰-۱۰۰۰ متر	۱	۱	۱۳	۱
۴	۲۰۰۰-۱۵۰۰ متر	۰	۱	۱۳	۰
۵	۲۵۰۰-۲۰۰۰ متر	۱	۰	۱۴	۰
۶	۳۰۰۰-۲۵۰۰ متر	۱	۲	۸	۰

جدول ۴. تعداد محوطه‌های هر دوره به براساس درصد شیب.

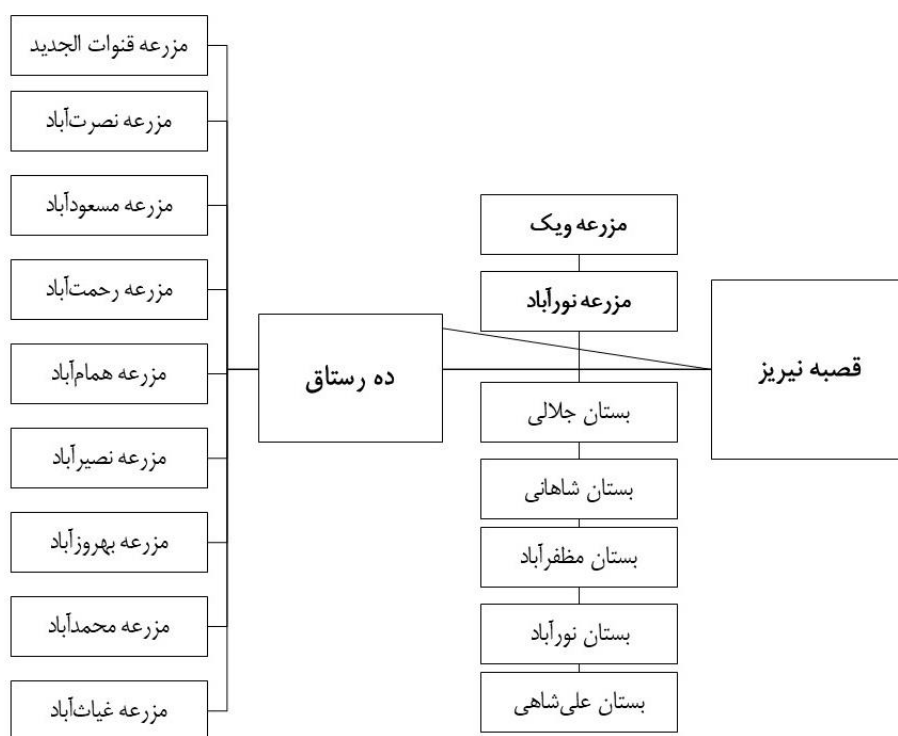
ردیف	شیب	ساسانی	قرون اولیه دوران اسلامی	قرون میانه دوران اسلامی	قرون متأخر دوران اسلامی
۱	۲-۰ درصد	۱۴	۱۶	۵۳	۲۶
۲	۵-۳ درصد	۲	۳	۳۴	۱
۳	۱۰-۵ درصد	۱	۱	۸	۱
۴	۱۵-۱۰ درصد	۱	۲	۴	۰

جدول ۵. تعداد محوطه‌های هر دوره براساس ارتفاع از سطح دریا.

ردیف	ارتفاع از سطح دریا	ساسانی	قرون اولیه دوران اسلامی	قرون میانه دوران اسلامی	قرون متأخر دوران اسلامی
۱	۱۶۰۰-۱۵۵۰	۱۳	۱۷	۳۱	۱۹
۲	۱۶۵۰-۱۶۰۰	۴	۴	۵۰	۸
۳	۱۷۰۰-۱۶۵۰	۰	۰	۱۲	۱
۴	۱۷۵۰-۱۷۰۰	۰	۰	۴	۰
۵	۱۸۰۰-۱۷۵۰	۰	۰	۰	۰
۶	۱۸۵۰-۱۸۰۰	۰	۱	۱	۰
۷	۱۹۰۰-۱۸۵۰	۱	۰	۱	۰

ردیف	فاصله تا جاده	ساسانی	قرون اولیه دوران اسلامی	قرون میانه دوران اسلامی	قرون متأخر دوران اسلامی
۱	۵۰۰-۰ متر	۵	۸	۱۸	۱۵
۲	۱۰۰۰-۵۰۰ متر	۲	۲	۳	۵
۳	۱۵۰۰-۱۰۰۰ متر	۷	۸	۳۹	۵
۴	۲۰۰۰-۱۵۰۰ متر	۱	۰	۱۲	۲
۵	۲۵۰۰-۲۰۰۰ متر	۲	۱	۶	۰
۶	۳۰۰۰-۲۵۰۰ متر	۰	۱	۲	۱
۷	۳۵۰۰-۳۰۰۰ متر	۰	۰	۰	۰
۸	۴۰۰۰-۳۵۰۰ متر	۱	۱	۱	۰
۹	۸۵۰۰-۸۰۰۰ متر	۰	۱	۱	۰

جدول ۶- تعداد محوطه‌های هر دوره براساس فاصله از جاده اصلی.



شکل ۱۰. فهرست موقوفات مدرسه غیائیه در نزدیکی قصبه نیریز و ده رستاق براساس وقف‌نامه (شیخ‌الحکامی و پیشاهنگ، ۱۳۸۴).

بیرگان کوه‌رنگ بختیاری»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۶: ۱۰۴-۸۵.  
اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، ۱۳۷۳. ممالک و مسالک، ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، به‌کوشش ایرج افشار، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.  
افشار، ایرج، ۱۳۴۷. «یادداشتی تاریخی در مسجد بازار نیریز»، مجله یغما، شماره ۲۴۵: ۶۴۶-۶۴۱.  
افشار، ایرج، ۱۳۵۵. «اطلال پارس (۴)»، یغما، ۳۵۶: ۳۶۷-۳۶۷.  
افراسیابی، بنفشه و محمد صدق یاصل، ۱۳۹۴. «ارزیابی روش‌های زمین‌آماري

### کتاب‌نامه

ابن بلخی، ۱۳۷۴. فارسنامه ابن بلخی براساس متن مصحح لسترنج و نیکسن، توضیح و تحشیه منصور رستگار فسایی، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.  
ابن‌حوقل، ابوالقاسم محمد، ۱۳۴۵. صورة‌الارض، ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.  
ابن‌خردادبه، ۱۳۷۱. مسالک و ممالک، ترجمه سعید خاکرند، تهران: مؤسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل و موسسه فرهنگی حنفاء.  
اسماعیلی‌جلودار، محمداسماعیل و سعید ذوالقدر، ۱۳۹۳. «تحلیل داده‌های کاوش در محوطه کوچ‌نشینی شهریاری II از دوره هخامنشی در منطقه

- وجاوند، پرویز، ۱۳۷۹. «سفرنامه‌ی نیریز به مناسبت کنگره فضل نیریزی و سخنی چند درباره برخی از آثار نیریز»، *بخارا*، ۱۲: ۱۹۶-۱۸۵.
- Cameron, G. G., 1948. *Persepolis Treasury Tablets*. Oriental Institute Publications 65, Chicago: The University of Chicago.
- Conolly, J., and M. Lake, 2006. *Geographical Information Systems in Archaeology*, Cambridge: Cambridge University.
- Godard, A., 1936. "Le Masjid-E-Djum de Niriz", *ATHAR-E IRAN, Annales du service archéologique de l'Iran*, 1 (1): 163-172.
- Fazeli, H., Salimi, M. and R. Young, 2009. "Landlord Villages of the Tehran Plain, Iran and Historical Archaeology in Iran", *Iran*, 47 (1): 149-164.
- Henkelman, W. F., 2003. "An Elamite Memorial: the Šumar of Cambyses and Hystaspes", in W. Henkelman and A. Kuhrt (eds.) *A Persian Perspective: Essays in Memory of Heleen Sancisi-Weerdenburg (Achaemenid History XIII)*, pp. 101-172.
- Nikzad, M., Moradi, H. and H. Emadi, (2018). "Qal'at Surmagh: A Pre-Pottery Neolithic Site from Neyriz Plain, Eastern Fars, Iran", *Neo-Lithics*, 18: 12-16.
- Nsanziyera, A. F., Lechgar, H., Fal, S., Maanan, M., Saddiqi, O., Ujjaa, A. and H. Rhinane, 2018. "Remote-sensing Data-based Archaeological Predictive Model (APM) for Archaeological Site Mapping in Desert Area, South Morocco", *Comptes Rendus Geoscience*, 350 (6): 319-330.
- Priestman, S. M. and D. Kennet, 2002. "The Williamson Collection Project: Sasanian and Islamic Pottery from Southern Iran", *Iran*, 40 (1): 265-267.
- Priestman, S. M., 2003. "The Williamson Collection Project: Sasanian and Islamic Survey Ceramics from Southern Iran, Current Research", *Iran*, 41(1): 345-348.
- Priestman, S., 2005. *Settlement and Ceramics in the Southern Iran: An Analysis of the Sasanian and Islamic Periods in the Williamson Collection*, Unpublished, M.A. Thesis, Durham: University of Durham.
- Rosignol, J., 1992. "Concepts, Methods, and Theory Building", in J. Rosignol, L. Wandsnider (eds.), *Space, Time, and Archaeological Landscapes*, Boston: Springer Science & Business Media, pp. 3-16.
- Stein, A., 1936. "An Archaeological Tour in the Ancient Persis", *Iraq*, (2): 111-225.
- Sumner, W. M. and D. Whitcomb, 1999. "Islamic Settlement and Chronology in Fars: An Archaeological Perspective", *Iranica antiqua*, 34: 309-324.
- Sumner, W. M., 1986. "Achaemenid Settlement in the Persepolis Plain", *American Journal of Archaeology*, 90 (1): 3-31.
- جهت تخمین کیفی آب‌های زیرزمینی دشت نیریز، استان فارس»، *دهمین کنگره بین‌المللی مهندسی عمران*، تبریز: دانشگاه تبریز دانشکده مهندسی عمران.
- اقتداری، احمد، ۱۳۴۳. «فرمانی از شاه طهماسب صفوی درباره صابونخانه‌های نیریز»، *فرهنگ ایران زمین*، ۱۲: ۳۱۹-۳۲۲.
- برفی، سیروس، مرادی، حسن، عبدالمهی، صدیقه، بیداری، رضا، ابوبالبیان، شهره و خدیجه محبی، ۱۳۹۱. «باستان‌شناسی استان فارس»، مجموعه مقالات ۱۰ سال باستان‌شناسی ایران (جلد اول)، به‌کوشش: یوسف حسن‌زاده و سیما میری، تهران: نشر پازینه و موزه ملی ایران.
- حسینی فسایی، حاج میرزا حسن، ۱۳۶۷. *فارسنامه ناصری*، تصحیح و تحشیه دکتر منصور رستگار فسایی، جلد دوم، تهران: امیرکبیر.
- بهشتی، سیدمحمد و حسین راعی، ۱۳۹۵. «مزارع مسکون تاریخی در ایران از آغاز تا دوره صفویه»، *اثر*، ۷۴: ۳-۲۲.
- سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق، ۱۳۵۳. *مطلع سعدین و مجمع بحرین*، به‌کوشش دکتر عبدالحسین نوایی، تهران: طهوری.
- شبانکاره‌ای، صاحب، ۱۳۸۹. *دفتر دلگشا*، تصحیح و بررسی غلامحسین مهرابی، پروانه کیانی، شیراز: آوند اندیشه و بنیاد فارس‌شناسی.
- شبانکاره‌ای، محمد بن علی بن محمد، ۱۳۶۲. *مجمع الانساب*، به‌کوشش میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر.
- شمس‌نیریزی، محمدجواد، ۱۳۷۹. *تاریخ و فرهنگ نیریز*، نیریز: مجتمع فرهنگی، هنری کوثر نور نیریز.
- شیخ‌الحکمایی، عمادالدین و محمدعلی پیشاهنگ، ۱۳۸۴. «وقف‌نامه مدرسه غنایه نیریز»، *پژوهش‌های ایران‌شناسی*، نامواره دکتر محمود افشار، جلد ۶، *ستوده‌نامه ۲*، به‌کوشش ایرج افشار، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، صص. ۵۷۱-۶۱۲.
- مرادی، حسن، ۱۳۹۶. *گزارش اولین فصل بررسی شهرستان نیریز، دهستان رستاق (استان فارس)*، تهران: مرکز اسناد و کتابخانه پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- مرادی، حسن و حسن کریمیان، ۱۳۹۹. «طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های دوران اسلامی دشت نیریز، استان فارس»، *مطالعات باستان‌شناسی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران)*، دوره ۱۲، شماره ۲، پیاپی ۲۳: ۲۹۱-۲۶۹.
- مرادی، حسن و میثم نیکزاد، ۱۴۰۲. «برهمکنش انسان با محیط‌های گرم و خشک: تأملی بر شیوه‌های سنتی مدیریت و بهره‌برداری از آب در دشت نیریز»، *مطالعات باستان‌شناسی پارسه*، ۷ (۲۶): ۳۶۲-۳۹۹.
- مستوفی، حمدالله بن ابی بکر، ۱۳۸۱. *نزهة القلوب* به‌کوشش سیدمحمد دبیرسیاقی، قزوین: حدیث امروز.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد به احمد، ۱۳۸۵. *احسن التقاسیم فی المعرفة الاقالیم*، ترجمه علینقی منزوی، چاپ دوم، تهران: کومش.
- ناصری، احمد و احمد پورمیرزایی، ۱۳۸۴. *طرح شناخت مناطق اکولوژیک کشور: تیپ‌های گیاهی منطقه نیریز*، تهران: مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع.
- نورانی، وصال، ۱۳۴۳. *خسرو و شیرین*، شیراز: کتابفروشی معرفت شیراز.